



شهید محسن آغاسی اصفهانی

ولادت: ۱۳۳۶/۶/۲۲، استان خوزستان

دانشجوی بهداشت حرفه ای دانشکده بهداشت و ایمنی (انستیتو عالی علوم بیمارستانی)


شهادت: ۱۳۵۹/۱۰/۲، دارخوین

آرامگاه: تهران، بهشت زهرا، قطعه ۲۴، ردیف ۴۹، شماره ۳۸


زندگی نامه

شهید محسن آغاسی اصفهانی در بیست و دوم شهریور ۱۳۳۶ در شهر اهواز دیده به جهان گشود. پس از اتمام دوره ابتدایی همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و دوران دبیرستان را نیز در مدرسه دارالفنون با موفقیت به پایان رساند. فعالیت‌های مذهبی سیاسی او از اواخر دبیرستان آغاز شد که تا مدتها از نظر خانواده مخفی بود. در خارج از محیط تحصیل با یاری دوستان و هم‌اندیشان، اوقات بسیاری را به پخش و توزیع کتاب و جزوه‌های امام و آثار نویسندگان متعهد سپری می‌کرد.

پس از دریافت دیپلم، هم‌زمان در پنج رشته تحصیلی پذیرفته شد که از میان آنها رشته بهداشت حرفه‌ای انستیتو عالی علوم بیمارستانی را برگزید و به تحصیل پرداخت. او در تشکیل انجمن اسلامی دانشکده نقش مؤثری ایفا کرد. با پیروزی انقلاب به عضویت کمیته انقلاب اسلامی درآمد و شبانه روز



در این سنگر به حراست از انقلاب و ارزش‌های اسلامی پرداخت و با دفتر تحکیم وحدت نیز همکاری نزدیک داشت. با شروع انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، ترم آخر تحصیلی را سپری می‌کرد و همراه با دیگر هم‌زمان در اسلامی شدن دانشگاه‌ها اقدامات مؤثری انجام داد.



پس از تعطیلی دانشگاه در سال‌های انقلاب فرهنگی رسماً به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در بخش فرهنگی سپاه تهران به خدمت پرداخت. با شروع جنگ تحمیلی با اصرار فراوان عازم جبهه شد. پس از دو ماه و نیم نبرد در جبهه دارخوین^۱ به مدت ده روز به تهران بازگشت، اما بیش از چهار روز در تهران نماند و با اشتیاق فراوان بار دیگر رهسپار جبهه شد. هنوز بیش از ده روز از عزیمت او به جبهه نگذشته بود که در دومین روز از دی ماه ۱۳۵۹ در منطقه دارخوین به شهادت رسید.

شهید در لحظه وداع خطاب به خانواده خود گفته بود: «این بار که به جبهه می‌روم دیگر برنخواهم گشت؛ نگذارید مادرم ناراحت شود. به سخنان امام و یاران با وفایش گوش دهید و آن را راهنمای خویش قرار دهید».

شبی مادر شهید در عالم رؤیا می‌بیند که در محلی قرار دارد که به وسیله مه بین او و شهدای صدر اسلام و ائمه (ع) و شهدای کنونی فاصله ایجاد شده است. در این زمان امام نزد ایشان می‌آید. ناگهان تسبیحی که در دست ایشان است پاره می‌شود و اکثر دانه‌های آن بر روی زمین می‌ریزد. امام به مادر شهید می‌فرماید: «این پاسدارها که می‌بینی، همگی‌شان کلماتی از نمازند. عین این دور تسبیح به هم متصل هستند؛ اگر بریزند، بدرند».

فرازی از وصیت‌نامه

باز هم جوانی دیگر، به خون خفته‌ای دیگر و بالاخره شهیدی دیگر که در مبارزات مردم مسلمان ایران هر روز از این شهدا بسیار داریم؛ شهیدانی که فقط برای رسیدن به حق‌شان و به خاطر احیا و اجرای اسلام کشته شدند و همانند رهبرشان حسین (ع) سر از پا نشناختند. آنها که در راه رسیدن به

^۱ شهری در بخش مرکزی شهرستان شادگان در استان خوزستان





مقصود و در جنگ حق و باطل، جان خود را فدای اسلام کردند و در این راه از هیچ چیز دریغ نداشتند. شهیدانی که با چشمان باز و دل‌هایی آکنده از محبت معبودشان، خدای حق تعالی، هم‌چون عاشقان پاک‌باخته در راه وصال به معشوق به سوی صحنه‌های پیکار حق و باطل روان شدند و به سیل مجاهدین فی سبیل الله پیوستند. در آن جا با دریایی که از خون خود ساختند، بسیاری از دشمنان اسلام و قرآن را غرق نمودند؛ دریایی که امواج خروشانش می‌رود تا کاخ‌های ستم را در سرتاسر عالم در کام خود فرو برد و فرشته صلح و صفا و آزادی را در فضایی فارغ از تعدی و تجاوز استعمار و استثمار و استثمار و استبداد از شوق به پرواز در آورد، ولی آن شاهدان همیشه جاوید که اینک در ملکوت اعلی حاضرند و به دور از دامنه دید ما خاکیان آرمیده‌اند، قبل از عروج، شرط و شروط معراجی شدن را بر روی تکه پاره‌های کاغذ تحت عنوان وصیت‌نامه نوشته و برای پویندگان این راه به یادگار گذاشته‌اند؛ یادگاری که در آخرین لحظات عمرشان در این دنیای فانی آن را تهیه و تنظیم نمودند و با خون خود آن را امضا کردند تا کسی نپندارد که آنان این راه را ناآگاهانه یا با تحمیل آمده‌اند. اینک آنها رفته‌اند و پیام‌هایشان که از اعماق دل‌های پاکشان برخاسته و توسط هم‌زمان آنها از لابه‌لای پیکرهای به خون آغشته‌شان به ما رسیده، با زبان بی‌زبانی به ما می‌گویند:

ای کسانی که عشق حسین (ع) در سر می‌پرورانید! یا چون ما به صحنه بیابید و در راه پیروزی ایده و مرام حسین (ع) شربت شهادت بنوشید و یا چون زینب در پشت جبهه بمانید و پیام ما را به حق‌پرستان برسانید که ما برای آن که ثابت کنیم در صحنه هستیم، باید در این انتخاب بزرگ و سرنوشت ساز یکی را برگزینیم تا بدین وسیله به زندگی این دنیا معنی دهیم و جای خود را در آن جهان باز یابیم.

